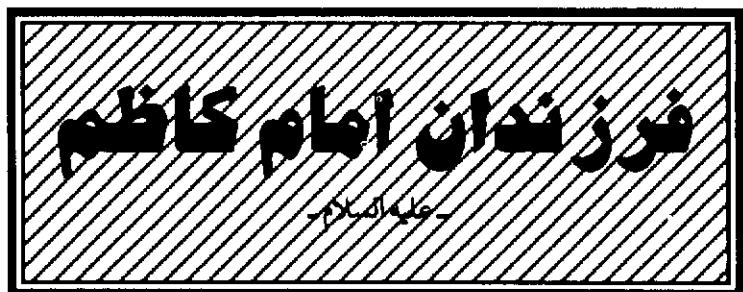


تشییع در گذرگاه تاریخ

داود الهمی



اغلب علمای تاریخ و انساب در تعداد اولاد حضرت موسی بن جعفر-علیه السلام- اختلاف کرده اند، در حالی که ابن شهر آشوب تعداد فرزندان آن حضرت را سی نفر نوشته^(۱)، صاحب عمدۃ الطالب این تعداد را به شصت نفر رسانده است. به این ترتیب که ۳۷ نفر از آنان دختر و ۲۳ نفر پسر بوده اند.^(۲) ویعقوبی عدد فرزندان آن حضرت را ۴۱ نفر، ۱۸ پس و ۲۳ دختر نوشته است^(۳) و مؤلف کشف الغمة نیز تعداد فرزندان آن بزرگوار را ۳۸ نفر ۲۰ دختر و ۱۸ پسر ذکر کرده^(۴) ولیکن طبق نظر مرحوم مفید حضرت موسی بن جعفر دارای سی و هفت فرزند پسر و دختر بود هیچده تن ذکور و نوزده تن اناث بودند و اسامی همه آنها را به ترتیب ذکر کرده است.^(۵)

شیخ مفید می نویسد: «وکان أفضـل ولد أبيـ الحسن موسـى - عليهـ السلام - وابـيهـم وأعـظـمـهـم قـدرـاً وأعـلـمـهـم وأجـمـعـهـم فـضـلاً: أـبـوـ الحـسـنـ عـلـيـ بـنـ مـوـسـىـ الرـضـاـ . مـلـهـ السـلـامـ»^(۶) و در میان فرزندان آن حضرت از همه برتر و در قدر و متزلت والاتر و دانشمندتر و در فضل و کمال جامعتر، حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا-علیه السلام- بوده است.

ابو الصلت هروی از اسحاق بن موسی بن جعفر روایت کرده است که گفت از پدرم موسی بن جعفر-علیه السلام- شنیدم که به پسران خود فرمود: «هـذاـ اخـوـکـمـ عـلـيـ بـنـ مـوـسـىـ عـالـمـ آلـ

۱- ابن شهر آشوب ج ۴۲۸-۲.

۲- عمدۃ الطالب ص ۱۸۵-۱۸۷.

۳- یعقوبی، تاریخ ج ۴۱۵/۲۱.

۴- اربلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمّة ج ۴۱/۲.

۵- مفید، ارشاد ص ۲۸۳.

۶- همان کتاب.

محمد فاسالوه عن أديانكم واحفظوا ما يقول لكم، فإني سمعت أبي جعفر بن محمد۔ ملیہ السلام۔ غیر مرّة يقول لی : إنَّ عالِمَ آلِ مُحَمَّدٍ لَفِي صَلْبِكَ ولِيَتَنِي ادْرِكَهُ فَإِنَّهُ سَمِّيَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ^(۷) این علی بن موسی برادرستان عالم آل محمد است پس دینهایتان را از او بپرسید وهر چه به شما می گوید آن را حفظ کنید زیرا مکرر از پدرم جعفر بن محمد شنیدم که می فرمود : عالم آل محمد در صلب توست وای کاش او را می دیدم واو علی امیرالمؤمنین نامیده می شود.

یکی دیگر از فرزندان بافضلیت امام کاظم - ملیہ السلام - احمد بن موسی است که قبرش در شیراز و به شاه چراغ معروف است . مفید در باره او می نویسد : واحمد بن موسی مردی کریم و بزرگوار و پارسا بوده و حضرت موسی بن جعفر - ملیہ السلام - او را دوست داشت و مقدم می داشت و مزرعه خود که معروف بود به «سیره» به او بخشید و گفته اند احمد بن موسی - رضی الله عنه - در زمان خود هزار بندۀ آزاد کرد ^(۸) و دیگر از فرزندان آن حضرت محمد بن موسی است که از اهل فضل و صلاح بوده و نقل شده که محمد بن موسی پیوسته با وضعه و همیشه سرگرم نماز بود و شبها کم می خوابید ویر می خاست و مشغول عبادت می شد ، یکی از نزدیکان اوی می گوید من هرگز او را ندیدم جز اینکه به یاد گفتار خدای تعالی می افتدام که : ﴿كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيلِ مَا يَهْجِعونَ﴾^(۹) در باره پرهیزکاران و متقبیان می فرماید : «چنان بودند که اندکی از شب را می خوابیدند»^(۱۰) و محمد بن موسی را به جهت کثرت عبادتش «محمد عابد» می گفتند واو نیز در شیراز مدفون است .

و دیگر از فرزندان آن حضرت ، ابراهیم بن موسی است که مردی شجاع و کریم بود و در زمان مأمون از طرف محمد بن زید بن علی بن الحسین - ملیہ السلام - فرماندار یمن شد . محمد بن زید کسی است که در زمان مأمون خروج کرد و ابو السرایا نیز در کوفه با او بیعت کرد و کوفه را فتح نمود و مدتی در آنجا بماند تا آنکه ابو السرایا در جنگ با بنی عباس کشته شد و کار محمد بن زید پراکنده گشت و برای ابراهیم بن موسی از مأمون امان گرفتند ^(۱۱) ابراهیم به بغداد آمد و در آنجا بود تا از

۷- بحار ج ۴۹ / ۱۰۰ به نقل از اعلام الوری .

۸- ارشاد ، ص ۲۸۴ .

۹- سوره ذاریات آیه ۱۷ .

۱۰- ارشاد ص ۲۸۴ .

۱۱- مفید ، ارشاد ص ۲۸۴ .

دنیا رفت.

مرحوم محدث قمی به هنگام بحث از دختران حضرت موسی بن جعفر - علیه السلام - می نویسد: بر حسب آنچه به ما رسیده، افضل آنها سیده جلیله معظمه، فاطمه بنت امام موسی - علیه السلام - معروف به حضرت معصومه - علیها السلام - است . (۱۲)

صاحب قاموس الرجال می گوید: در میان فرزندان اسام کاظم - علیه السلام - با آن همه کثرشان بعد از امام رضا - علیه السلام - کسی همسنگ حضرت معصومه نبود (۱۳)

شخصیت فوق العاده حضرت معصومه - علیها السلام - از روایتی که امام صادق - علیه السلام - در باره آن حضرت قبل از تولدش فرموده کاملاً روشن می گردد. آنجا که امام صادق - علیه السلام - می فرماید: «ألا إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةٌ، أَلَا إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ، أَلَا إِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ، أَلَا إِنَّ حَرَمِي وَحْرَمَ ولَدِي بَعْدِي قَمَ، أَلَا إِنَّ قَمَ كَوْفَتَنَا الصَّغِيرَةَ أَلَا إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَّةَ أَبْوَابَ ثَلَاثَ مِنْهَا إِلَى قَمَ، تَقْبِضُ فِيهَا أُمْرَأَةٌ هِيَ مِنْ وَلَدِي وَاسْمُهَا فَاطِمَةُ بَنْتُ مُوسَى تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شَيْعَتَنَا الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ» (۱۴)

یعنی: برای خدای تبارک و تعالی حرمی است و آن مکه است، برای رسول اکرم ﷺ حرمی است و آن مدینه است، برای امیر مؤمنان - علیه السلام - حرمی است و آن کوفه است، برای من و فرزنداتم که بعد از من می آیند، حرمی است و آن قم است، آگاه باشید که قم کوفه کوچک است و بیدانید که برای بهشت هشت در هست که سه در آن به سوی قم است. بانوی از اولاد من در آن وفات می کند که نامش فاطمه دختر موسی است، همه شیعیان ما به شفاعت او وارد بهشت می شوند.

طبق نقل یعقوبی امام کاظم - علیه السلام - بیست و سه دختر داشت . او بی آنکه سبب این کار را ذکر کند در تاریخ خود می نویسد که: حضرت موسی بن جعفر وصیت کرد که دخترانش ازدواج نکنند و چزیکی از ایشان که ام سلمه نام داشت و در مصر به زنی قاسم بن محمد بن جعفر در آمد و در این باره میان قاسم و خویشان جریان سختی پیش آمد تا آنجا که قاسم قسم خورد که

۱۲- قمی ، متنه الأكمال ج ۲/ ۱۶۱ .

۱۳- تواریخ النبي والآئل ج ۱/ ۶۵ .

۱۴- کتاب النفس ص ۱۹۶ با کمی تفاوت مجالس المؤمنین ج ۱/ ۸۳ - بحار ج ۲۲۸/ ۶۰ .

جامه از وی دور نکرده و جز آنکه او را به حج برد منظوری نداشته است. (۱۵)

مؤلف تاریخ قم به علت این کار اشاره کرده و می‌نویسد: چنین رسیده که رضائیه دختران خود را به شوهر نمی‌دادند، زیرا کسی را که همسر وکفو ایشان بود نمی‌یافتد و حضرت موسی بن جعفر-علیه السلام- را بیست و پیک دختر بوده است و هیچیک شوهر نکرده‌اند. و این مطلب در میان دختران ایشان عادت شده و محمد بن علی الرضا-علیه السلام- به شهر مدینه ده دیه وقف کرده است بر دختران و خواهران خود که شوهر نکرده‌اند و از اتفاقات آن دیه‌ها نصیب و قسط رضائیه که به قم ساکن بوده‌اند از مدینه جهت ایشان می‌آوردند (۱۶).

شیخ مفید در پایان می‌افزاید: «ولکل واحد من ولد أبي الحسن موسى-علیه السلام- فضل ومنقبة مشهورة وكان الرضا-علیه السلام- المقدم عليهم في الفضل على حسب ما ذكرناه». (۱۷) و برای هریک از فرزندان حضرت موسی بن جعفر-علیه السلام- فضیلت و منقبتی جداگانه مشهور است و حضرت رضا-علیه السلام- در فضیلت مقدم بر دیگران بود، چنانکه گفتیم.

امامیه پس از شهادت امام کاظم-علیه السلام-

شهادت امام کاظم-علیه السلام- شکاف دیگری را در میان امامیه به وجود آورد و پنج فرقه از ایشان بیرون آمد که مشهورترین آنها دو فرقه است: اول گروهی که رحلت امام هفتم را انکار کردند و آن حضرت را «قائم» و «مهدی» دانسته و امامت را به آن حضرت ختم کردند و گفتند امام هفتم زنده است و تا دنیا را از عدل و قسط پر نماید رحلت تخریح کرد. این فرقه «واقفیه» خوانده شده‌اند (۱۸) علت انکار رحلت امام کاظم-علیه السلام- از سوی این گروه، این است که بعضی از کلای امام هفتم مانند عثمان بن عیسی روایی در مصر، وزیاد قندی، علی بن أبي حمزه، حبان و سراج در کوفه، مبلغ زیادی پول (بیش از صد هزار دینار) به عنوان سهم امام در اختیار داشتند. چون اینان این پولها را به نفع خود مصرف کرده بودند رحلت او و امامت امام رضا-علیه السلام- را منکر

۱۵- تاریخ یعقوبی ج ۲/ ۴۱۵- حدیث الشیعه من ۱۶۸- ۱۶۰.

۱۶- بیان محدث قمی، متنه الکمال ج ۲/ ۱۶۲.

۱۷- مفید، ارشاد ص ۲۸۴.

۱۸- اشعری قمی، کتاب المقالات والفرق من ۸۹ شماره ۱۶۹، توضیح الملل، ج ۱/ ۲۲۹.

شدن تاعذری برای عدم پرداخت سهم امام داشته باشند. (۱۹) از نقل کشی به نظر می‌رسد که محمد بن بشیر و پدرانش واژه مهدی را در مورد امام کاظم - علیه السلام - به کار برد و وفات او را منکر شدن ولقب قائم مهدی به او دادند. (۲۰)

دوم گروهی که بر خلاف واقفیه به رحلت امام هفتم قطع کردند و امامت را بعد از آن حضرت، حق امام ابو الحسن علی بن موسی الرضا (۱۵۵-۲۰۳) دانستند و به همین مناسبت به اسم «قطعیه» مشهور شدند. (۲۱)

امام رضا - علیه السلام - در اثبات حقوق خود برای امامت نه تنها از جانب پیروان بر جسته پدرش، بلکه از سوی برخی از برادرانش نیز با مشکلات عدیده ای رویرو شد. (۲۲) با وجود این عده زیادی از نزدیکان مورد اعتماد و اهل علم و تقوی و فقهای شیعیان حضرت امام کاظم - علیه السلام - با نقل نصوصی صریح و اشاراتی از آن حضرت در باره امامت امام رضا - علیه السلام - آن حضرت را مورد تأیید قرار دادند از آن جمله: داود بن کثیر رقی، محمد بن اسحاق عمار، علی بن یقطین، نعیم قابوسی، حسین بن مختار، زیاد بن مروان، مخزومی، داود بن سلیمان، نصر بن قابوس، داود بن زربی، یزید بن سلیط و محمد بن سنان هستند. (۲۳) و به خاطر معجزاتی که از آن حضرت ظاهر شد جمعی از واقفیگری رجوع کردند مثل عبد الرحمن بن حجاج و رفاعة بن موسی و یونس بن یعقوب و جمیل بن دراج و حماد بن عبسی و دیگران اینها از اصحاب امام کاظم - علیه السلام - بودند که در امامت امام رضا - علیه السلام - به شک افتاده بودند که بعداً شکشان بر طرف گردید و همچنین برخی از شیعیان خود آن حضرت که واقعی شده بودند از آن دست کشیدند و به امامت امام رضا - علیه السلام - و امامهای بعدی قائل شدند. (۲۴)

بدین جهت امام رضا - علیه السلام - در طی سالهای (۱۹۹-۱۸۳) بسیاری از شیعیان پدر خود

۱۹- صدوق، علل الشرایع ۱/۲۲۵- عیون ص ۹۱-۲ ، کشی، اختبار / ۴۶۷- ۴۹۳.

۲۰- کشی ، اختبار ص ۴۷۸ ، طوسی ، الغنیه ص ۴۲ .

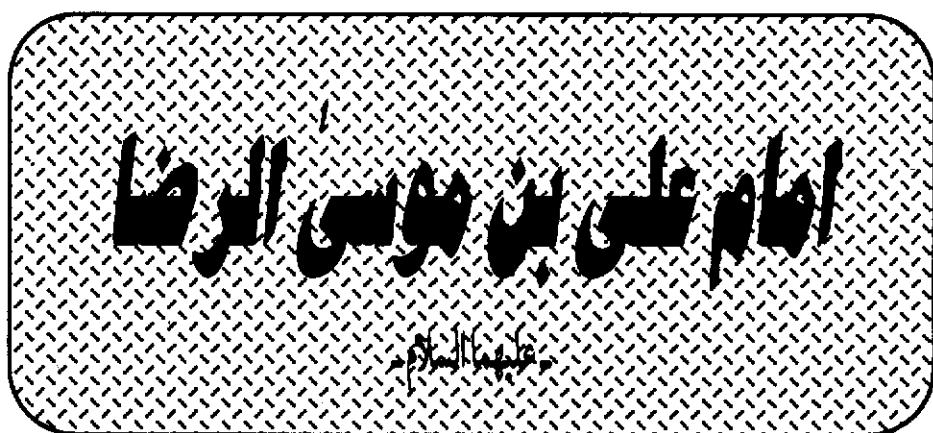
۲۱- توضیع الملل ، ترجمه ممل و نحلج ۱/۲۲۴ .

۲۲- کشی ، اختبار ، ص ۴۶۴-۴۷۲ - حتی برخی از آنان امام رضا - علیه السلام - را به دادگاه پیش قاضی احصار کردند. کافی ج ۱/۳۱۶ .

۲۳- مفید ، ارشاد ص ۲۸۵ .

۲۴- طوسی ، الغنیه ، ص ۴۷ .

رانگه داشت و نظام مخفی ارتباطات را ترتیب داد تا وظائف مذهبی خویش را هدایت کند^(۲۵) به علاوه شخصیت امام رضا-علیه السلام- با ترجیح ابعاد مذهبی اسلام بر ابعاد سیاسی، او را برابر بسیاری از افراد از جمله شخص مأمون برجسته تر و بارزتر من نمود.



پس از رحلت امام هفتم، فرزندش علی بن موسی الرضا-علیه السلام- جانشین آن حضرت شد و این به خاطر برتری او از لحاظ علم و پردازی و پرهیزگاری وی نسبت به همه برادران و خاندان خود بود و شیعه و سنی در وجود این اوصاف دارو و برتری آن بزرگوار خلافی نکرده اند و همگان آن حضرت را به این اوصاف شناخته اند.

و دلیل دیگر بر امامت آن حضرت نص صریح واشاراتی است که پدرش در باره امامت او پس از خود فرموده است در حالی که در باره هیچ یک از برادران او و خاندان خود چنین نص واشاره وجود ندارد. (۲۶)

امام هشتم پس از پدر بزرگوار خود به امر خدا و معرفی پدر و گذشتگان خود به امامت

۲۵- کشی، اختیار ۲/۵۹۱.

۲۶- مفید، ارشاد ص ۲۸۵.

رسید امامت را با نص از سوی پدرش دریافت کرد. اشاره و نص صریح از امام کاظم، علیه السلام. در باره امامت امام رضا فراوان است که از آن جمله:

بنایه گفته کلینی، صحاف گوید: من وهشام بن حکم وعلی بن یقطین در بغداد بودیم، علی بن یقطین گفت: خدمت حضرت موسی بن جعفر نشسته بودم که پرسش علی وارد شد، امام فرمود: علی بن یقطین! هذا علي سید ولدی: همین علی سرور اولاد من است ، من کنبه خود(ابوالحسن) را به او بخشیده ام. هشام دست خود را به پیشانیش زد و گفت: وای بر تو چه گفتی؟ این یقطین گفت: به خدا همینظور که گفتم از او شنیدم. هشام گفت: با این سخن به تو خبر داده که امر امامت پس از وی به او متعلق است. (۲۷)

۲- ابن قولویه (به سند خود) از داود رقی روایت کرده که گوید: به امام کاظم، علیه السلام - عرض کردم، فدایت شوم، من پیر شده ام، پس دست مرا بگیر و از دوزخ رهانی بخش (امام و صاحب اختیار ما پس از تو کیست؟) حضرت با دست اشاره به فرزندش ابوالحسن-علیه السلام- کرد و فرمود: «هذا صاحبکم من بعدی» این پس از من صاحب شماست. (۲۸)

۳- اسحاق بن عمار گوید: به حضرت کاظم، علیه السلام. عرض کردم، آیا مرا به کسی که دین و آئین خود را از او بگیرم راهنمائی نمی کنید. امام فرمود: «هذا اینی علی إن أبی أخذ بیدی فادخلنی إلى قبر رسول الله ﷺ فقال لي: يا بني إن الله جل اسمه قال: ﴿إِنَّ جَاعِلَ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ وإنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا قَالَ قَوْلًا وَفِي بَهْ . (۲۹) : این پسرم علی است همانا پدرم دست مرا گرفت و مرا کنار قبر پیامبر ﷺ برد و فرمود: پسر جان خدای عزوجل فرموده: «من در زمین جانشین قرار خواهم داد» و چون خداوند چیزی فرماید به آن وفا کند. (۳۰) (یعنی مطابق این وعده خداوند همیشه در زمین جانشینی از خداوند خواهد بود که او امام و حجت خداست).

۴- نعیم قابوس گوید: حضرت موسی بن جعفر - علیه السلام - فرمود: «إنَّ ابْنَي عَلِيًّا أَكْبَرُ ولدِي وَ أَبْرَهُمْ عَنْدِي وَ أَحْبَبُمْ إِلَيَّ وَ هُوَ يَنْظَرُ مَعِي فِي الْجَفَرِ وَ لَمْ يَنْظَرْ فِيهِ إِلَّا نَبِيٌّ أَوْ

۲۷- کلینی، کافی ج ۱/ ۳۱۱.

۲۸- مفید، ارشاد ص ۲۸۵ - کافی ج ۱/ ۳۱۲ - طوسی، الغیة ص ۲۵.

۲۹- مفید، ارشاد ص ۲۸۵ - کلینی، کافی ج ۱/ ۳۱۲ - الغیة، طوسی ص ۲۵.

۳۰- ارشاد ص ۲۸۱ - کافی ج ۱/ ۳۱۲ - ۳۱۱ - الغیة، ص ۲۶.

وصی نبی^(۳۱): فرزندم علی بزرگترین اولاد من است و خوش رفشارترین و محبوبترین آنان نزد من می باشد و او با من در جفر می نگرد، در صورتی که جز پیغمبر یا وصی پیغمبر در آن نمی نگرد.

۵- مخزومی گوید: موسی بن جعفر - علیه السلام - (پیش از زندان رفتنش) دنبال ما فرستاد وما را جمع کرد و فرمود می دانید شما را برای چه دعوت کردم؟ گفتیم: نه. فرمود: «اشهدوا إن ابني هذا وصيي والقييم بأمرى وخليفتى من بعدي» : گواه باشید که این پسرم وصی من است و پس از من جانشین من است. هر که از من طلبی دارد از این پسرم بگیرد و به هر که وعده ای داده ام از او بخواهد و هر کسی از ملاقات من ناگزیر است، جز به وسیله نامه او مرا ملاقات نکند. (۳۲)

خلاصه نص و اشاره بر امامت امام رضا - علیه السلام - بسیار است که نسونه هائی از آنها در اینجا ذکر گردید.

طبق نظر بیشتر مورخان و دانشمندان اسلامی ، امام رضا - علیه السلام - در سال ۱۴۸ هـ در شهر مدینه دیده به جهان گشود (۳۳) یعنی در همان سالی که جدش امام صادق - علیه السلام - درگذشت و در ماه صفر ۲۰۳ در شهر طوس که از شهرهای خراسان بود از دنیا رفت و از عمرش در آن روز ۵۵ سال گذشته بود. نام مادرش «ام البنین» بود و بنا بر این مدت امامت آن حضرت پس از پدر بزرگوارش ۲۰ سال بود.

لقب مشهور آن حضرت «رضاء» است برای حضرتش القاب و عنوانیں دیگری هم بوده، چنانکه او را صابر، فاضل، رضی، وفى لقب داده اند.

۳۱- کافی ج ۱/ ۳۱۲ - ارشاد ص ۲۸۶ - طوسی، النیہ ص ۲۶

۳۲- کلینی در این باره ۱۶ روایت و مغاید ۱۲ روایت نقل کرده است و شیخ حر عاملی در کتاب «ائبات المذاہ» ج ۲/ ۲۳۸ - ۲۴۴ بابی را به این موضوع اختصاص داده و در آن باب تنها از طرق شیعه ۶۸ روایت نقل کرده است.

۳۳- کافی ج ۱/ ۴۸۶ - ارشاد ص ۲۸۵ - دلائل الانامة ص ۱۷۵-۷ - فصول المهمة ص ۲۲۵-۶ - کسانی هم مستند که تولید آن حضرت را در ۱۵۳ دانسته اند مانند: اربیلی در کشف الغمة، این شهر آشوب در مناقب و صدق در عيون الاخبار، این خلکان در وفیات الأعیان و یافعی در مرآة الجنان.